

گفت‌وگوی صبا با چهار کارگردان فیلم کوتاه

سینمای کوتاه فرصت

معمومه دهقان
گفت و گو

چهل و سومین جشنواره فیلم فجر که در بهمن ماه امسال برگزار شد، بی تردید به یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین جشنواره‌ها در تاریخ سینمای ایران تبدیل شد. در این دوره، بیش از ۴۴ فیلم کوتاه به رقابت پرداختند و آثار کارگردانان جدید و جوانی که همچنان در مسیر اکتشاف‌های سینمایی قرار دارند به نمایش گذاشته شدند. حضور چنین کارگردانان جوانی در جشنواره فیلم فجر، نشان از ادامه تحول سینمای کوتاه در ایران دارد و به طور خاص تأثیرات آن در سینمای بلند داستانی ایران قابل توجه است. فیلم‌های کوتاه در جشنواره فیلم فجر، نه تنها به عنوان آثار هنری مستقل و جدی شناخته می‌شوند، بلکه نقش مهمی در تربیت نسل جدید سینماگران ایران ایفا کرده‌اند. این آثار به کارگردانان فرصتی برای آزمودن سبک‌ها، تکنیک‌ها و موضوعات مختلف داده‌اند و در نهایت منجر به تغییرات بزرگی در سینمای بلند ایران شده‌اند. از همین رو، جشنواره فیلم فجر به عنوان یک بخش کلیدی، به پیشرفت و تحول سینمای ایران کمک کرده و تداوم حضور فیلم‌های کوتاه در این جشنواره قطعاً راه را برای نسل‌های آینده هموار خواهد کرد. روزنامه صبا که از همان زمان برگزاری جشنواره فیلم فجر با نگاهی ویژه به سراغ کارگردانان جوانی که فیلم‌هایشان در جشنواره حضور داشتند رفت، همچنان با همان قوت توجه ویژه خود را به این نسل از فیلمسازان مستعد ادامه داده و در این شماره نیز به سراغ چهار کارگردان دیگری که اثرشان در لیست ۴۴ فیلمی که در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمده‌اند رفته است. گفت‌وگوی خبرنگار صبا با این کارگردانان را در ادامه می‌خوانید.

مهدی برجیان، کارگردان فیلم کوتاه «تاجی»: حمایت از فیلمسازان جوان ضروری است

مهدی برجیان فارغ‌التحصیل رشته پژوهش هنر با گرایش سینماست. «تاجی» ششمین فیلم کوتاه ساخته شده توسط اوست. البته وی یک فیلم بلند مستند را نیز با کارگردانی مشترک یوسف حاتمی کیا تجربه کرده است.

ایده ساخت این فیلم از کجا سرچشمه گرفت؟

درگیر یک سری تحقیقات درباره فیلم بلندم بودم و راستش بعد از ساخت فیلم کوتاه «فیل سفید»، راغب نبودم که فیلم کوتاه بسازم. اما در حین تحقیقات بودم که سوژه‌های نظرم را جلب کرد که برایم بسیار جذاب بود؛ سرکاری که شوهرش زیر دستش کار می‌کرد. همین سوژه تبدیل به فیلمنامه‌ای به نام «تاجی» شد که سرچشمه‌اش از تخیلاتم بود. البته این سوژه الهامات خاص خودش را داشت، اما دوست نداشتم فیلم تاریکی بسازم؛ چرا که عموماً نگاهم به فیلمسازی سیاه نیست. به همین خاطر تغییرات مهمی لحاظ کردم تا فیلمی با نقطه روشن، گذشت و بخشش بسازم.

از چگونگی انتخاب بازیگران بگوئید...

یک ماه مدام با بازیگر دیگری مشغول تمرین بودم، اما پس از یک ماه متوجه شدم که بازیگر مورد نظر مناسب کاراکتر «تاجی» نیست. به همین خاطر این همکاری به نتیجه نرسید. فاطمه نیشابوری یکی از گزینه‌هایی بود که راغب بودم با او همکاری کنم، اما چون در فیلم «مدیر مدرسه» ایفای نقش کرده بود و این فیلم را در پرده سینما دیده بودم، عقیده داشتم که از نظر فیزیکی با نقش تاجی فاصله دارد. اما پس از دیدار و تمرین با او فهمیدم که کاراکتر تاجی اصلاً برای ایشان نوشته شده است و تنها او می‌تواند تاجی را به نحو احسن بازی کند. به نظرم خانم نیشابوری به شدت بازیگر درخشانی است و حتی فراستی در برنامه یوتیوب نیز بازی او را تحسین کرد.

هدف تان از ساخت این فیلم چه بود؟

صادقانه بخواهم بگویم، این فیلم را ساختم تا بدانم آیا نحوه هدایت بازیگری را بلد هستم یا نه؟ چرا که در تمام فیلم‌هایم معمولاً دو کاراکتر در فیلمنامه وجود دارند. اما در این فیلم بازیگران زیادی بودند، بنابراین هدایت و مدیریت تمام آن‌ها بسیار مهم بود. از طرفی فیلم «تاجی» بسیار اخلاقی و در باب خانواده است؛ موضوعی که هیچگاه تاریخ انقضا ندارد.

باز خورد این فیلم در جشنواره ۴۳ فیلم فجر چگونه بود؟

این فیلم به دلایلی از جشنواره فیلم کوتاه تهران کنار گذاشته شد، اما معتقدم که در جشنواره فیلم فجر اتفاق‌های خوبی برای این فیلم رقم خورد.

برنامه‌ای برای ارسال به جشنواره‌های خارجی دارید؟

بله، فیلم‌های قبلی من در جشنواره‌های مختلف انتخاب شده‌اند، اما قصد دارم این فیلم را بفروشم تا با هزینه آن فیلم دیگری بسازم.

صحبت پایانی

سرمايه این فیلم را خودم گذاشتم. اما این روزها حمایت از فیلم‌های کوتاه واقعاً لازم و حیاتی است، چرا که تمام فیلمسازان برای حیات در این حوزه دغدغه مالی دارند. انجمن سینمای جوان برای تهیه‌کنندگی فیلم‌ها نه تنها کمکی نمی‌کند، بلکه با صد مدل پچینگ دست و پای کارگردان را نیز می‌بندد. در واقع، اگر هزینه فیلمی ۸۰۰ میلیون تومان می‌شود، ۲۰۰ میلیون تومان پرداخت می‌کنند و توقع دارند که ۵۱٪ نیز پرداخت شود. کجای دنیا با فیلمسازان جوان اینچنین برخورد می‌کنند؟ البته موسساتی مانند فارابی وجود دارند که منطقی‌تر به این موضوع نگاه می‌کنند و حقوق مادی فیلمسازان را رعایت می‌کنند.

عباس حسینی کارگردان فیلم کوتاه «تفنگ چخوف»:

وقتی المپیک و جنگ به هم گره می‌خورند

«تفنگ چخوف» اولین فیلم عباس حسینی است که پس از گذراندن دوره‌های فیلمسازی در انجمن سینمای جوان مشهد، ساخته شده است. این فیلم با الهام از شعری از عبدالملکیان و با تمرکز بر مقایسه‌ای میان مسابقات المپیک و میدان جنگ ساخته شده که یکی از آثار پذیرفته شده در جشنواره ۴۳ فیلم فجر بود. حسینی در این فیلم تلاش کرده تا مفاهیم عمیقی را با استفاده از تکنیک‌های سینمایی خاص و داستانی فانتزی به تصویر بکشد.

ایده فیلم از کجا سرچشمه گرفت؟

ایده سوژه فیلمنامه را از شعری از عبدالملکیان الهام گرفتم. در این شعر آمده است که «دیروز دوستم از دمشق زنگ زده بود، می‌گفت: ماهواره داشت دائم‌الخمرهای لندن را نشان می‌داد که خوابگاه‌شان کوچک بود، آنها جایی برای زندگی نداشتند و ما جایی برای مرگ.» با خود فکر کردم که چه تصویری می‌توانیم پیدا کنیم که معادل قسمت

آخر شعر باشد. تصویری که به ذهنم رسید، در واقع یک مقایسه بود، مقایسه بین مسابقات المپیک و میدان جنگ. در هر دوی آنها افراد می‌دوند، اما خب آنها برای چه و اینان برای چه؟ این ایده، نسخه اولیه‌ای بود که فیلمنامه «تفنگ چخوف» از آن شکل گرفت.

چرا «تفنگ چخوف»؟

«تفنگ چخوف» یک قاعده داستانی است که چخوف به آن اشاره می‌کند. او معتقد است که اگر شما تفنگی در فیلم‌تان نشان دادید که در گوشه دیوار آویزان است، اگر این تفنگ تا آخر داستان شلیک نشود، شما نویسنده خوبی نیستید. در این فیلم از آرشیوهای المپیک استفاده شده و با توجه به شلیک تپانچه در آغاز مسابقات، سعی کردم اشاره‌ای نمادین به این تفنگ بکنم. خواستم بگویم، تپانچه‌ای که رو به آسمان شلیک می‌شود، چگونه می‌تواند سرنوشتی نزدیک به مرگ برای افرادی که در آن مکان هستند، رقم بزند.

در کارگردانی این فیلم از ساختار یا فرم خاصی تبعیت کردید؟

فیلم تشکیل شده از دو بخش است. قسمت اول شامل راش‌های آماده شده از مسابقات المپیک است. بخش دوم تیزر قسمتی است که خودمان فیلمبرداری کردیم. در واقع تلاش کردیم که پسر بچه فیلم را با تکنیک‌های سینمایی به مسابقات المپیک اضافه کنیم، به گونه‌ای که یک پسر بچه معمولی با بهترین دوندگان جهان مسابقه دهد.

نحوه انتخاب بازیگران چگونه بود؟

در این فیلم تنها یک کاراکتر کودک بود که محمدطاه احمدی ایفای نقش کرد. وی نابازیگر بود، ولی به دلیل شوق زیاد برای بازی در این فیلم، بسیار همراه بود.

در پروسه تولید این فیلم چالش‌های نداشتید؟

بزرگ‌ترین چالشی که در سه روز تولید این فیلم با آن روبه‌رو شدیم، مربوط به لوکیشن بود. روزهای قبل برای اینکه به لوکیشن مدنظر دست یابیم، آنجا را بازسازی کردیم، اما دقیقاً روز فیلمبرداری به دلیل بارش شدید باران، بخشی از لوکیشن آسیب دید. این موضوع به فیلم

